

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۳۸۸

آیه ۲۰-۲۲

آیه و ترجمه

و من آیاته ان خلقکم من تراب ثم اذا انتم بشر تنتشرون ۲۰
و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازوجا لتسکنوا الیها و جعل بینکم موده و
رحمة ان فی ذلک لایات لقوم یتفکرون ۲۱
و من آیاته خلق السموات و الارض و اختلاف اللسنتکم و الوانکم ان فی ذلک
لایات للعالمین ۲۲

ترجمه :

۲۰ - از نشانه‌های او این است که شما را از خاک آفرید، سپس انسانهائی شدید و
در روی زمین انتشار یافتید.
۲۱ - و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خود شما برای شما آفرید، تا در
کنار آنها آرامش یابید، و در میانتان مودت و رحمت قرار داد، در این نشانه‌هائی
است برای گروهی که تفکر می‌کنند.
۲۲ - و از آیات او آفرینش آسمانها و زمین و تفاوت زبانها و رنگهای شماست، در
این نشانه‌هائی است برای عالمان.

تفسیر :

آیات خدا در آفاق و انفس!

این آیات و قسمتی از آیات بعد نکات جالبی از دلائل توحید و
نشانه‌های پروردگار را در نظام عالم هستی بازگو کرده، و بحثهای گذشته
را تکمیل می‌نماید

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۳۸۹

و می‌توان گفت رویهمرفته بخش مهمی از آیات توحیدی قرآن را همین آیات
تشکیل می‌دهد.
این آیات که همه با تعبیر من آیاته (یکی از نشانه‌های خدا...) آغاز می‌شود
و آهنگ مخصوص و لحن گیرا و جذاب و تعبیرات مؤثر و عمیقی دارد مجموعاً
از هفت آیه تشکیل شده که شش آیه آن پشت سر هم و یک آیه جداگانه است

(آیه ۴۶ همین سوره).

این هفت آیه تقسیم‌بندی جالبی از نظر آیات آفاقی و انفسی دارد، به طوری که سه آیه در باره آیات انفسی (نشانه‌های خدا در وجود خود انسان) و سه آیه در باره آیات آفاقی (نشانه‌های عظمت پروردگار در بیرون وجود انسان) و یک آیه از آیات انفسی و هم از آیات آفاقی سخن می‌گوید.

قابل توجه اینککه آیاتی که با این جمله شروع می‌شود در قرآن یازده آیه بیش نیست که هفت آیه آن در همین سوره روم است، و دو آیه در سوره فصلت (آیه ۳۷ و ۳۹) و دو آیه در سوره شوری است (آیه ۲۹ و ۳۲) و مجموع این یازده آیه حقا یک دوره کامل توحید است.

ذکر این نکته را قبل از ورود در تفسیر آیات نیز لازم می‌دانیم که آنچه را قرآن در این آیات به آن اشاره می‌کند گرچه مسائلی است که در بدو نظر برای عموم مردم قابل درک و تشخیص است، ولی با پیشرفت علم و دانش بشری همواره نکته‌های تازه‌ای در زمینه آن برای دانشمندان آشکار می‌شود که به قسمتی از آن در لابلای تفسیر این آیات اشاره خواهیم کرد.

قرآن در اینجا نخست به سراغ آفرینش انسان که اولین و مهمترین موهبت الهی بر او است می‌رود و می‌گوید: «یکی از نشانه‌های او این است که شما را از خاک آفرید، سپس شما انسانهایی شدید که در روی زمین منتشر گشتید» (و من آیاته ان خلقکم من تراب ثم اذا انتم بشر تنتشرون).

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۳۹۰

در این آیه به دو نشانه عظمت الهی اشاره شده: یکی آفرینش انسان از خاک که ممکن است اشاره به آفرینش نخستین انسان یعنی آدم بوده باشد، یا آفرینش همه انسانها از خاک چرا که مواد غذائی تشکیل دهنده وجود انسان همه، مستقیماً یا بطور غیر مستقیم از خاک گرفته می‌شود.

دیگر تکثیر نسل انسان و انتشار فرزندان آدم در سراسر روی زمین است که اگر ویژگی گسترش در آدم آفریده نشده بود به زودی از میان می‌رفت و نسل او برچیده می‌شد.

راستی خاک کجا و انسانی با این ظرافت کجا؟ اگر پرده‌های ظریف چشم که از برگ گل هم لطیفتر و حساستر و ظریفتر است، همچنین سلولهای فوقالعاده حساس و ظریف مغز را در کنار خاک بگذاریم و با هم مقایسه کنیم آنگاه

می‌فهمیم که آفریدگار جهان چه قدرت عجیبی به کار گرفته که از آن ماده تیره کم ارزش چنین دستگاه‌های ظریف و دقیق و پرازشی را به وجود آورده است؟.

خاک نه نور دارد، نه حرارت، نه زیبایی و نه طراوت، و نه حس و نه حرکت ولی در عین حال خمیر مایه انسانی شده است دارای همه این صفات، آن کس که از چنین موجود مرده‌ای که کم ارزشترین موجودات محسوب می‌شود چنان موجود زنده شگرفی بیافریند شایسته هرگونه ستایش بر این قدرت و علم و دانش بی‌حساب است «تبارک الله احسن الخالقین».

این تعبیر ضمناً بیانگر این واقعیت است که در میان انسانها تفاوتی نیست و ریشه همه به یکجا بازمی‌گردد، همگی پیوند ناگسستنی با خاک دارند و طبعاً سرانجام نیز همه به همان خاک بازمی‌گردند.

قابل توجه اینکه کلمه «اذا» در لغت عرب معمولاً در مورد امور ناگهانی به کار می‌رود، ذکر این تعبیر در اینجا ممکن است اشاره به آن باشد که خداوند

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۳۹۱

آنچنان قدرت تکثیر مثل به آدم داد که در مدتی کوتاه ناگهان نسل او در سراسر زمین منتشر شد و جامعه متشکل انسانی را به وجود آورد. دومین آیه مورد بحث نیز بخش دیگری از آیات انفسی را که در مرحله بعد از آفرینش انسان قرار دارد مطرح کرده می‌فرماید: «دیگر از نشانه‌های خدا این است که از جنس خودتان همسرانی برای شما آفرید تا در کنار آنها آرامش بیابید» (و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیهما).

و از آنجا که ادامه این پیوند در میان همسران خصوصاً و در میان همه انسانها عموماً، نیاز به یک جاذبه و کشش قلبی و روحانی دارد به دنبال آن اضافه می‌کند: «و در میان شما مودت و رحمت آفرید» (و جعل بینکم مودة و رحمه).

و در پایان آیه برای تاءکید بیشتر می‌فرماید: «در این امور نشانه‌هایی است برای افرادی که تفکر می‌کنند» (ان فی ذالک لایات لقوم یتفکرون). جالب اینکه قرآن در این آیه هدف ازدواج را سکونت و آرامش قرار داده است، و با تعبیر پر معنی «لتسکنوا» مسائل بسیاری را بیان کرده و نظیر این تعبیر در آیه ۱۸۹ سوره اعراف نیز آمده است.

به راستی وجود همسران با این ویژگیها برای انسانها که مایه آرامش

زندگی آنها است یکی از مواهب بزرگ الهی محسوب می شود. این آرامش از اینجاست ناشی می شود که این دو جنس مکمل یکدیگر و مایه شکوفائی و نشاط و پرورش یکدیگر می باشند بطوری که هر یک بدون دیگری ناقص است، و طبیعی است که میان یک موجود و مکمل وجود او چنین جاذبه نیرومندی وجود داشته باشد. و از اینجا می توان نتیجه گرفت آنها که پشت پا به این سنت الهی می زنند وجود ناقصی دارند، چرا که یک مرحله تکاملی آنها متوقف شده (مگر آنکه

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۳۹۲

به راستی شرائط خاص و ضرورتی ایجاب تجرد کند). به هر حال این آرامش و سکونت هم از نظر جسمی است، و هم از نظر روحی هم از جنبه فردی و هم اجتماعی. بیماریهایی که به خاطر ترک ازدواج برای جسم انسان پیش می آید قابل انکار نیست. همچنین عدم تعادل روحی و ناآرامیهای روانی که افراد مجرد با آن دست به گریبانند کم و بیش بر همه روشن است. از نظر اجتماعی افراد مجرد کمتر احساس مسئولیت می کنند و به همین جهت انتحار و خودکشی در میان مجردان بیشتر دیده می شود، و جنایات هولناک نیز از آنها بیشتر سر میزند. هنگامی که انسان از مرحله تجرد گام به مرحله زندگی خانوادگی می گذارد شخصیت تازه ای در خود می یابد، و احساس مسئولیت بیشتری می کند و این است معنی احساس آرامش در سایه ازدواج. و اما مسأله «مودت» و «رحمت» در حقیقت «ملاط» و «چسب» مصالح ساختمانی جامعه انسانی است، چرا که جامعه از فرد فرد انسانها تشکیل شده همچون ساختمان عظیم و پرشکوهی که از آجرها و قطعات سنگها تشکیل می گردد. اگر این افراد پراکنده، و آن اجزاء مختلف، با هم ارتباط و پیوند پیدا نکنند «جامعه» یا «ساختمانی» به وجود نخواهد آمد. آن کس که انسان را برای زندگی اجتماعی آفریده این پیوند و ربط ضروری را نیز در جان او ایجاد کرده است.

فرق میان «مودت» و «رحمت» ممکن است از جهات مختلفی باشد:

۱ - «مودت» انگیزه ارتباط در آغاز کار است، اما در پایان که یکی از دوهمسر ممکن است ضعیف و ناتوان گردد و قادر بر خدمتی نباشد «رحمت» جای

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۳۹۳

آن را می‌گیرد.

۲ - «مودت» در مورد بزرگترها است که می‌توانند نسبت بهم خدمت کنند اما کودکان و فرزندان کوچک در سایه رحمت پرورش می‌یابند.

۳ - «مودت» غالباً جنبه متقابل دارد، اما رحمت یک جانبه و ایشارگرانه است، زیرا برای بقاء یک جامعه گاه خدمات متقابل لازم است که سرچشمه آن مودت است و گاه خدمات بلاعوض که نیاز به ایشار و «رحمت» دارد.

البته آیه مودت و رحمت را میان دو همسر بیان می‌کند ولی این احتمال نیز وجود دارد که تعبیر «بینکم» اشاره به همه انسانها باشد، که دو همسریکی از مصادیق بارز آن محسوب می‌شوند، زیرا نه تنها زندگی خانوادگی که زندگی در کل جامعه انسانی بدون این دو اصل یعنی مودت و رحمت امکانپذیر نیست، و از میان رفتن این دو پیوند، و حتی ضعف و کمبود آن، مایه هزاران بدبختی و ناراحتی و اضطراب اجتماعی است.

آخرین آیه مورد بحث معجونی از آیات آفاقی و انفسی است: نخست به مسأله خلقت آسمانها و زمین اشاره کرده می‌گوید: «از نشانه‌های بزرگ خدا آفرینش آسمانها و زمین است» (و من آیاته خلق السموات والارض).

آسمانها با آنهمه کرات، با آنهمه منظومه‌ها و کهکشانها، آسمانهائی که اندیشه بلند پرواز انسان از درک عظمت آن عاجز و فکر از مطالعه آن خسته می‌شود و هر قدر علم و دانش انسان پیش می‌رود نکته‌های تازه‌ای از عظمتش آشکار می‌گردد.

یک روز بود که انسان کواکب آسمان را همین تعدادی می‌دانست که با چشم دیده می‌شود (دانشمندان آنچه را با چشم غیر مسلح دیده می‌شود حدود پنج الی شش هزار احصاء کرده‌اند).

اما هر قدر تلسکوپهای قویتر و عظیمتری ساخته شد عظمت و کثرت ستارگان

آسمان فزونتر گردید، تا آنجا که امروز معتقدند تنها کهکشان ما که یکی از انبوه کهکشانهای آسمان است بیش از یکصد میلیون ستاره دارد که خورشید ما با عظمت خیره کننده‌اش یکی از ستارگان متوسط آن محسوب می‌شود! و تنها خدا می‌داند که در همه کهکشانها که تعداد آنها بر هیچکس روشن نیست چقدر ستاره وجود دارد.

همچنین هر قدر علوم طبیعی، زمینشناسی، گیاهشناسی، حیوانشناسی و علم تشریح و فیزیولوژی و روانشناسی و روانکاوی پیشرفت می‌کند عجائب تازهای درباره آفرینش زمین کشف می‌شود که هر یک آیتی از آیات عظمت خدا است.

سپس به یکی از آیات بزرگ انفسی سخن را منتقل ساخته می‌گوید: «اختلاف زبانها و رنگهای شما نیز از آیات عظمت او است!» (و اختلاف السنتکم و الوانکم).

بی‌شک زندگی اجتماعی بشر بدون شناخت افراد و اشخاص ممکن نیست که اگر یک روز همه انسانها یک شکل و یک قیافه و دارای یک قد و قواره باشند در همان یک روز شیرازه زندگی آنها بهم میریزد، نه پدر و فرزند و همسر از بیگانه شناخته می‌شوند، و نه مجرم از بیگانه، بدهکار از طلبکار، فرمانده از فرمانبر و رئیس از مرئوس، و میزبان از مهمان، دوست از دشمن شناخته نمی‌شود و چه جنجال عجیبی بر پا خواهد شد! اتفاقاً گاهی این مسأله در مورد برادران دوقلوی که از هر نظر شباهت با هم دارند پیش می‌آید و چه مشکلاتی در برخورد مردم و مناسبات با آنها روی می‌دهد تا آنجا که شنیده‌ایم گاهی یکی از برادران دوقلوی همرنگ و هم شکل، بیمار بوده و مادر دارو را به دیگری داده است! لذا برای سازمان یافتن اجتماع بشر خداوند صداها و رنگها را مختلف قرار داده است.

به گفته «فخر رازی» در ذیل آیه مورد بحث، شناسائی انسان نسبت به انسان یا باید از طریق چشم حاصل شود یا به وسیله «گوش»، خداوند برای تشخیص چشم رنگها و صورتها و شکلهای مختلف آفریده، و برای تشخیص گوش اختلاف آواها و آهنگهای صدا را ایجاد کرده است،

بطوری که در تمام جهان نمی‌توان دو انسان را پیدا کرد که از نظر چهره و آهنگ صدا از تمام جهات یکسان باشند یعنی صورت انسان که عضو کوچکی است و آهنگ صدای انسان که موضوع ساده‌ای است به قدرت پروردگار به میلیاردها شکل مختلف در می‌آید و این از آیات عظمت او است.

البته این احتمال نیز وجود دارد - و بعضی از مفسران بزرگ به آن اشاره کرده‌اند - که اختلاف السنه به معنی اختلاف زبانها از قبیل عربی و فارسی و مانند آن باشد، و اختلاف رنگها اشاره به اختلاف نژادها که هر نژادی رنگی دارد.

ولی می‌توان معنی وسیعی از کلمه «اختلاف» استفاده کرد که شامل این تفسیر و تفسیر ما قبل آن هر دو شود، و به هر معنی این تنوع خلقت شاهد عظمت و قدرت او است.

«فرید وجدی» در دائرة المعارف خود از قول «نیوتن» دانشمند معروف غربی چنین نقل می‌کند که می‌گوید: «درباره آفریدگار جهان و خداوند هرگز شک نکنید، زیرا معقول نیست ضرورت و علت و معلول فاقد شعور به تنهائی رهبر وجود باشد، چون ضرورت کور و یکسان در هر مکان و هر زمان متصور نیست که اینهمه کائنات متنوع و موجودات رنگارنگ از اوصاف گردد، و ممکن نیست که وجود با نظام و ترتیب اجزایش و تناسبهای لازم و هماهنگ با تغییرات زمان و مکان ظاهر گردد، بلکه همه این امور حتما باید از مبدئی سرچشمه گرفته باشد»

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۳۹۶

که دارای علم و حکمت و اراده است»،
قرآن در پایان آیه فوق می‌گوید: «در این امور نشانه‌هایی است برای عالمان و اندیشمندان» (ان فی ذالک لآیات للعالمین).
چرا که آنها بیش از هر کس از این اسرار آگاه می‌شوند.

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۳۹۷

آیه ۲۳-۲۵

آیه و ترجمه

من آیاته منامکم باللیل و النهار و ابتغواکم من فضله ان فی ذلک لآیات لقوم یسمعون ۲۳

و من آیاته یریکم البرق خوفا و طمعا و ینزل من السماء ماء فیحی به الارض بعد موتها ان فی ذلک لآیات لقوم یعقلون ۲۴

و من آیاته ان تقوم السماء و الارض بامرہ ثم اذاد عاکم دعوة من الارض اذا انتم تخرجون ۲۵

ترجمه :

۲۳ - و از نشانه‌های او خواب شما در شب و روز است، و تلاش و کوششتان برای بهره‌گیری از فضل پروردگار (و تامین معاش) در این امور نشانه‌هایی است برای آنها که گوش شنوا دارند!

۲۴ - و از آیات او این است که برق (و رعد) را به شما نشان می‌دهد که هم‌مایه ترس است و هم امید (ترس از صاعقه، و امید به نزول باران) و از آسمان آبی فرو می‌فرستد که زمین را بعد از مردن به وسیله آن زنده می‌کند، در این نشانه‌هایی است برای جمعیتی که عقل خود را به کار می‌گیرند.

۲۵ - و از آیات او این است که آسمان و زمین به فرمان او برپاست سپس هنگامی که شما را (در قیامت) از زمین فرا می‌خواند ناگهان همه خارج می‌شوید (و در صحنه محشر حضور می‌یابید).

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۳۹۸

تفسیر :

باز هم نشانه‌های عظمت او در برون و درون

به دنبال بحث‌های گذشته پیرامون آیات پروردگار در آفاق و انفس، آیات مورد بحث به گفتگو پیرامون بخش دیگری از این آیات بزرگ می‌پردازد. نخست پدیده خواب را به عنوان یک پدیده مهم آفرینش و نموداری از نظام حکیمانه آفریننده آن مورد توجه قرار داده می‌گوید:

«از آیات او خواب شما در شب و روز است، و نیز تلاش و کوشش شما برای بهره‌گیری از فضل پروردگار و تامین نیازمندیهای زندگی» (و من آیاته منامکم باللیل و النهار و ابتغاءکم من فضله).

و در پایان می‌افزاید: «در این امور آیات و نشانه‌هایی است برای آنها که گوش شنوا دارند» (ان فی ذلک لآیات لقوم یسمعون).

این حقیقت بر هیچ کس پوشیده نیست که همه موجودات زنده برای تجدید نیرو و به دست آوردن آمادگی لازم برای ادامه کار و فعالیت نیاز به استراحت دارند، استراحتی که به طور الزامی به سراغ آنها بیاید، و حتی افراد پر تلاش و یا

حریص را ناگزیر به انجام آن سازد.

چه عاملی برای وصول به این هدف بهتر از خواب تصور می‌شود که الزاماً به سراغ انسان می‌آید و او را وادار می‌کند که تمام فعالیت‌های جسمانی و بخش مهمی از فعالیت‌های فکری و مغزی خویش را تعطیل کند، تنه‌دستگاه‌هایی از جسم همانند قلب و ریه و بخشی از فعالیت‌های مغزی که برای ادامه حیات لازم است به کار خود ادامه می‌دهند آنهم بسیار آرام و آهسته.

این موهبت بزرگ الهی سبب می‌شود که جسم و روح انسان به اصطلاح سرویس شود، و با بروز حالت خواب که یک نوع وقفه و تعطیل کار بدن است

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۳۹۹

آرامش و رفع خستگی حاصل گردد، و انسان حیات و نشاط و نیروی تازه‌ای پیدا کند.

مسئله اگر خواب نبود روح و جسم انسان بسیار زود پژمرده و فرسوده می‌شد، و بسیار زود پیری و شکستگی به سراغ او می‌آمد، به همین دلیل خواب متناسب و آرام، راز سلامت، و طول عمر، و دوام نشاط جوانی است.

قابل توجه اینکه اولاً خواب را قبل از «ابتغاء فضل الله» که در آیات قرآن به معنی تلاش برای روزی است قرار داده، اشاره به اینکه پایه‌ای برای آن محسوب می‌شود، چرا که بدون خواب کافی «ابتغاء فضل الله» مشکل است. «ثانیاً» درست است که خواب معمولاً در شب است و تلاش معاش در روز، اما چنان نیست که انسان نتواند این برنامه را به هنگام لزوم تغییر دهد، بلکه خداوند انسان را چنان آفریده که می‌تواند برنامه خواب خود را تغییر داده، و بر ضرورت‌ها و نیازها منطبق سازد، تعبیر به «منامکم باللیل و النهار» (خواب شما در شب و روز) گویا اشاره به همین نکته است.

بدون شک برنامه اصلی خواب مربوط به شب است، و شب به خاطر آرامشی که از تاریکی پدید می‌آید اولویت خاصی در این مورد دارد، اما گاه شرائطی در زندگی انسان پیدا می‌شود که مثلاً مجبور می‌شود شبانه سفر کند و روز استراحت نماید، اگر برنامه تنظیم خواب در اختیار انسان نبود چه مشکلی پیش می‌آمد؟ اهمیت این مطلب مخصوصاً در عصر ما که بسیاری از مؤسسات صنعتی و پزشکی و درمانی مجبورند بطور مداوم در تمام شبانه روز کار کنند و تعطیل برنامه‌های آنها ممکن نیست، و لذا کارگران در سه نوبت به کار

می‌پردازند، از هر زمان دیگری روشنتر است.
نیاز جسم و روح انسان به خواب به اندازه‌های زیاد است که توانائی و
تحمل انسان در برابر بیخوابی بسیار کم است و از چند شبانه روز
تجاوز نمی‌کند،

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۴۰۰

به همین جهت جلوگیری از خواب همیشه به عنوان یکی از
دردناکترین شکنجه‌ها نزد جباران و طاغوتیان شناخته شده است.
و نیز به همین دلیل یکی از طرق درمان مؤثر بسیاری از بیماریها این است
که بیمار را در خواب عمیق فرو می‌برند، و از این راه توان و نیروی بیمار
را افزایش می‌دهند.

البته هیچ کس نمی‌تواند مقدار معینی را به عنوان «مقدار خواب
لازم» برای عموم انسانها تعیین کند، چه اینکه این امر بستگی به سن و سال
و وضع و موقعیت اشخاص و چگونگی ساختمان روحی و جسمی آنها دارد، آنچه
مهم است اینکه «خواب کافی» مقداری است که انسان بعد از آن احساس
کند از این نظر اشباع شده است، درست همانگونه که در مورد آب و مقدار غذا
احساس سیری می‌کند.

این نیز قابل توجه است که علاوه بر «طول» زمان خواب، عمق آن
نیز اهمیت ویژه‌ای دارد، ای بسا یک ساعت خواب عمیق کار چند ساعت خواب
سطحی را در بازسازی روح و جسم انسان انجام می‌دهد.

البته در آنجا که خواب عمیق ممکن نباشد «نعاس» (خواب خفیف)
هم یکی از نعمتهای الهی است، چنانکه در آیه ۱۱ سوره انفال در مورد مجاهدان
بدر از آن یاد شده، چرا که در میدان جنگ خواب عمیق نه امکان‌پذیر است و نه
مفید و سودمند.

به هر حال نعمت خواب، و آرامش و آسایش ناشی از آن و نیز قدرت و نشاطی
که بعد از خواب پیدا می‌شود از نعمتهائی است که با هیچ بیانی قابل توصیف
نیست.

آیه بعد که پنجمین قسمت از آیات عظمت خدا را بیان می‌کند باز به سراغ آیات
آفاقی می‌رود، و مسئله باران و رعد و برق و حیات زمین را پس از مرگ

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۴۰۱

مورد توجه قرار داده، می‌گوید: «از نشانه‌های خدا این است که برق را که هم مایه ترس است هم مایه امید، به شما نشان می‌دهد» (و من آیاته یریکم البرق خوفا و طمعا).

«ترس» از خطرات ناشی از برق که گاه به صورت «صاعقه» درمی‌آید و هر چیز را در حوزه آن قرار گیرد آتش می‌زند و خاکستر می‌کند، و «امید» از نظر نزول باران که غالبا بعد از رعد و برق به صورت رگبار فرومی‌ریزد.

بنابراین، برق آسمان پیشاهنگی است برای نزول باران (علاوه بر فوائد گوناگون مهمی که در این برق نهفته شده و دانش امروز از آن پرده برداشته و ما در آغاز سوره رعد به آن اشاره کردیم). سپس می‌افزاید: «و از آسمان آبی نازل می‌کند که زمین را بعد از مرگش حیات می‌بخشد» (و ينزل من السماء ماء فيحيي به الارض بعد موتها).

زمین خشک و سوزانی که بوی مرگ از تمام آن به مشام می‌رسد بعد از نزول چند باران حیاتبخش آنچنان جان می‌گیرد و زنده می‌شود و آثار حیات به صورت گلها و گیاهان در آن نمایان می‌گردد که گاه باورکردنی نیست که این همان زمین مرده سابق است.

در پایان آیه به عنوان تاءکید می‌افزاید: «در این امور آیات و نشانه‌هایی است برای جمعیتی که تعقل و اندیشه می‌کنند» (ان فی ذلک لآیات لقوم یعقلون). آنها هستند که می‌فهمند در این برنامه حساب شده دست قدرتی در کار است که آنرا رهبری و هدایت می‌کند و هرگز نمی‌تواند معلول تصادفها و ضرورت‌های کور و کر باشد.

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۴۰۲

در آخرین آیه، بحث از آیات آفاقی را در زمینه تدبیر نظام آسمان و زمین وثبات و بقای آنها ادامه داده، می‌فرماید: «یکی دیگر از آیات عظمت حق این است که آسمان و زمین به فرمان او برپا است» (و من آیاته ان تقوم السماء و الارض بامره).

یعنی نه تنها آفرینش آسمانها که در آیات قبل به آن اشاره شد آیتی است که برپائی و ادامه نظام آنها نیز آیتی دیگر می‌باشد، چه اینکه این اجرام عظیم در گردش منظم خود احتیاج به امور زیادی دارد که مهمترین آنها

محاسبه پیچیده تعادل نیروی جاذبه و دافعه است. پروردگار بزرگ آنچنان این تعادل را سامان بخشیده که میلیونها سال بدون کمترین انحراف در مسیر خود گردش می کنند. و به تعبیر دیگر آیه گذشته اشاره به «توحید خلقت» بود، و این آیه اشاره به «توحید ربوبیت و تدبیر» است. تعبیر به «قیام» و برپائی آسمان و زمین، تعبیر لطیفی است که از حالات انسان گرفته شده، چرا که بهترین حالات انسان برای ادامه فعالیتها حالت قیام است که قادر بر انجام همه حوائج خود می باشد و تسلط کامل بر اطراف خویش دارد. تعبیر به «امر» در اینجا اشاره به نهایت قدرت پروردگار است که برای ادامه حیات و نظم این جهان پهناور تنها یک فرمان او کافی است. و در پایان این آیه با استفاده از زمینه بودن «توحید» برای معاد بحث رابه این مسئله منتقل ساخته می فرماید: «سپس هنگامی که شما را از زمین فرا می خواند ناگهان همه خارج می شوید» (ثم اذا دعاكم دعوة من الارض اذا انتم تخرجون). کرارا در آیات قرآن دیده ایم که خداوند مسأله معاد را با تکیه بر نشانه های قدرت او در آسمان و زمین اثبات می کند و آیه مورد بحث نیز یکی از آنهاست.

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۴۰۳

تعبیر به «دعاکم» (شما را فرا می خواند) اشاره به این است که همانطور که برای تدبیر و نظم جهان یک فرمان او کافی است، برای بعث و نشور و رستاخیز نیز یک دعوت او کفایت می کند، مخصوصا با توجه به جمله «اذا انتم تخرجون» که «اذا» در آن به اصطلاح برای مفاجاة است روشن می سازد که با یک دعوت او همه ناگهان بیرون می ریزند. ضمنا تعبیر «دعوة من الارض» نشانه روشنی بر معاد جسمانی است که انسان در رستاخیز از این زمین فرا خوانده می شود (دقت کنید).
نکته ها :

۱ - یکدوره کامل درس خداشناسی

در آیات ششگانه گذشته بحثهای گوناگونی پیرامون خداشناسی مطرح شده که مجموعا یکدوره جالب را تشکیل می دهد، از آفرینش آسمان گرفته

تا آفرینش بشر از خاک، و از پیوند محبت خانوادگی گرفته تا خواب آرامبخش در شب و روز از تدبیر نظام و جهان بالا گرفته تا برق آسمان و نزول باران و اختلاف زبانها و رنگها، یعنی مجموعه مناسبی از آیات آفاقی و انفسی. جالب اینکه در هر یک از این شش آیه دو بخش از دلائل توحید ذکر شده تا یکی زمینه سازی کند و دیگری تحکیم و تاءکید، درست همانند آوردن دوشاهد عادل برای اثبات یک مدعا که مجموعاً دوازده شاهد صادق را برای قدرت بیپایان حق تشکیل می دهد!

۲ - چه کسانی از این آیات الهام می گیرند؟

در ذیل چهار آیه از این شش آیه تاءکید شده است که در این امور نشانه های روشنی است برای «متفکران»، «عالمان»، «شنوایان» و «عاقلان» ولی

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۴۰۴

در آیه اول و آخر این موضوع دیده نمی شود. فخر رازی در این زمینه چنین توضیح می دهد: عدم ذکر آن در نخستین آیه ممکن است به خاطر آن باشد که آیه اول و دوم که پشت سر هم قرار گرفته و هر دو از آیات انفسی سخن می گوید و یکسان است. و در آخرین آیه، مطلب به قدری وضوح پیدا کرده که دیگر نیاز به توضیح بیشتر و تاءکید بر تعقل و تفکر نیست. جالب اینکه نخست سخن از «تفکر» به میان می آورد، سپس از «علم» چرا که تفکر پایه و زمینه ساز علم است بعد از آن سخن از «گوش شنوا» است چرا که در پرتو علم و آگاهی انسان آماده شنیدن و پذیرش حق می شود، همانطور که قرآن می گوید: فبشر عباد الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه: «به بندگانم بشارت ده آنانی که سخنان را می شنوند و از بهترین آنها پیروی می کنند» (سوره زمر آیه ۱۸). و در آخرین مرحله سخن از «عقل» است چون آنها که گوش شنوا دارند سرانجام به مرحله عقل کامل خواهند رسید. این نکته نیز قابل توجه است که در ذیل نخستین آیه سخن از آغاز آفرینش انسان و انتشار نسل او در زمین است (ثم اذا انتم بشر تنتشرون). و در آخرین آیه نیز سخن از خروج و نشور انسانها در قیامت است (اذا انتم تخرجون).

اولی آغاز است و آخری انجام.

۳ - شگفتیهای عالم خواب

با تمام بحثهایی که دانشمندان پیرامون خواب و ویژگیهای آن کرده‌اند باز

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۴۰۵

هم به نظر می‌رسد که هنوز همه زوایای این عالم اسرارآمیز روشن نشده و حقائق پیچیده آن فاش نگردیده است. هنوز در میان دانشمندان بحث است که چه فعل و انفعال در بدن انسان صورت می‌گیرد که در یک لحظه ناگهانی بخشی از فعالیتهای مغز و بدن اوتعطیل می‌گردد، و تحولی در سرتاسر روح و جسمش ظاهر می‌شود؟ بعضی عامل اصلی خواب را یک «عامل فیزیکی» می‌دانند، و معتقدند که انتقال خون از مغز به قسمت‌های دیگر بدن این پدیده را به وجود می‌آورد، و برای اثبات عقیده خود از تختخواب مخصوصی به نام «تختخواب ترازویی» استفاده کرده‌اند که انتقال خون را از مغز به سایر اعضا مشخص می‌کند. جمعی دیگر عامل خواب را «عامل شیمیائی» می‌دانند، و معتقدند به هنگام تلاش و کوشش سمومی در بدن پیدا می‌شود که بخشی از مغز را از کار می‌اندازد در نتیجه انسان به خواب می‌رود، هنگامی که این سموم جذب بدن و خنثی شد انسان بیدار می‌شود. جمع دیگری برای خواب یک «عامل عصبی» قائلند و می‌گویند سیستم فعال عصبی ویژه‌ای در مغز موجود است که حکم گاز اتومبیل را دارد و بر اثر خستگی خاموش می‌شود و موقتاً از کار می‌ایستد. اما پیرامون تمام این نظریه‌ها سؤالات و نقاط مبهم و تاریکی وجود دارد که هنوز پاسخ آن به روشنی داده نشده است، و خواب همچنان چهره اسرارآمیز خود را حفظ کرده است. از شگفتیهای عالم خواب که دانشمندان اخیراً از روی آن پرده برداشته‌اند این است که به هنگام خواب و از کار افتادن موقت بخش عظیمی از مغز بعضی از سلول‌ها که آن را سلول نگهبان باید نامید همچنان بیدار می‌مانند، و توصیه‌هایی را که انسان قبل از خواب در مورد لحظه بیداری به آنها می‌کند هرگز فراموش

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۴۰۶

نمی‌کنند تا به هنگام لزوم تمام مغز را بیدار کرده به حرکت در آورند. مثلاً مادر خسته و کوفته‌ای که شب می‌خواهد و فرزند شیرخوارش درگاهواره نزدیک او است ناخودآگاه به سلول نگهبان که رابط میان روح و جسم است این مطلب را توصیه می‌کند که هر زمان کودک من کمترین صدائی کرد مرا بیدار کن، اما سر و صداهاى دیگر مهم نیست! لذا ممکن است غرش رعد این مادر را از خواب بیدار نکند اما کمترین صدای کودک سبب بیداری او است، این وظیفه مهم را همان سلول نگهبان بر عهده گرفته!

خود ما نیز این مطلب را بسیار آزموده‌ایم که هر وقت تصمیم داشته باشیم صبح زود یا حتی وسط شب دنبال سفر یا برنامه مهمی برویم و این را به خودمان بسپاریم غالباً به موقع بیدار می‌شویم، در حالی که در غیر این موقع ساعتها ممکن است در خواب فرو رویم.

خلاصه از آنجا که خواب از پدیده‌های روحی است، و روح جهانی است پراز اسرار، عجیب نیست که زوایای این مسأله هنوز روشن نشده باشد، ولی هر چه بیشتر در آن به غور و بررسی می‌پردازیم به عظمت آفریدگار این پدیده آشنا تر می‌شویم.

اینها همه در مورد خواب بود و اما در باره رؤیا و خواب دیدن بحثهای فراوانی است که در تفسیر سوره یوسف جلد نهم صفحه ۳۱۲ به بعد آورده‌ایم.

۴ - پیوند محبت دو همسر

با اینکه ارتباط انسان با پدر و مادر و برادرش ارتباط نسبی است و از ریشه‌های عمیق خویشاوندی مایه می‌گیرد و پیوند دو همسر یک پیوند قراردادی و قانونی است اما بسیار می‌شود که محبت و علاقه ناشی از آن حتی بر علاقه خویشاوندی پدر و مادر پیشی می‌گیرد، و این در حقیقت همان چیزی است که

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۴۰۷

در آیات فوق با جمله و جعل بینکم مودة و رحمة به آن اشاره شده است. در حدیثی از پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌خوانیم که بعد از جنگ احد: به «دختر جحش» فرمود دائی تو «حمزه» شهید شد، او گفت «انا لله و انا الیه راجعون» من اجر این مصیبت را از خدایم خواهم.

باز به او فرمود برادرت نیز شهید شد، دیگر بار «انا لله» گفت و اجر و پاداش

خود را از خدا خواست.

اما همینکه خبر شهادت همسرش را به او داد دست بر سرش گذاشت و فریاد کشید پیامبر فرمود: (آری) ما يعدل الزوج عند المرأة شيء: «هیچ چیز برای زن همانند همسر نیست».

بعد ←

↑ فترت

→ قبل